

یادداشت

داستانی ناقص از یک فصل تأثیرگذار

در تاریخ موسیقی جهان

فرزانه‌متین

فیلم یک ناشناخته کامل (A Complete Unknown) به زندگی باب دیلن، یکی از بزرگ‌ترین ترانه‌سرایان مشهور آمریکایی، از موفقیت اولیه‌اش در موسیقی فولک تا تغییر جنجالی‌اش به استفاده از سازهای الکتریکی می‌پردازد. این فیلم در ژانر درام-زندگی‌نامه به کارگردانی جیمز منگولد بر اساس کتابی با عنوان «دیلن الکترونیکی می‌شود» اثر الیجاوالد ساخته شده که از سوی انستیتو فیلم آمریکا و هیئت ملی یازبینی فیلم آمریکا به عنوان یکی از ۱۰ فیلم برتر سال ۲۰۲۴ انتخاب شده است.
یک ناشناخته کامل در آکادمی اسکار در هشت رشته‌از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اصلی مرد، بهترین بازیگران نقش مکمل زن و مرد و بهترین فیلم‌نامه نامزد شد، اما در هیچ‌کدام از شاخه‌ها موفق به دریافت اسکار نشد.

تیموتی شالامی، ادوارد نورتون، ال فانینگ، مونیکا باربارو، بوید هالبروک و اسکات مک‌نیری در این اثر به ایفا نقش می‌پردازند. عنوان اصلی و ابتدایی این فیلم «الکترونیکی نواختن» بود که بعدها نام یک ناشناخته کامل از آهنگ‌های گروه رولینگ استونز گرفته شد.

پیش از ساخت این اثر، مارتین اسکورسیزی مستندی به نام «راهی به خانه نیست» را درباره باب دیلن ساخت که مخاطب برای شناختن او و پیش از ورودش به موسیقی فولک، بهتر است آن را تماشا کند.

در کل به تصویر کشاندن بیوگرافی باب دیلن به دلیل چهره دمدمی مزاج او، به عنوان یک داستان در قاب مدیوم بسیار سخت است، اما در نهایت جیمز منگولد توانست از پس این کار برآید و آن را تبدیل به واقعیت کند؛ هرچند روایتش ناقص است. فیلم به بازه چهار سال از زندگی باب دیلن (با بازی تیموتی شالامی) از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵ می‌پردازد. زمانی که او به بیمارستان روان‌پزشکی گری استون پارک در نیوجرسی می‌رود تا با بت زندگی‌اش، وودی گاتری، دیدار کند و برحسب تصادف، پیت سیگر افسانه‌ای هم به ملاقات گاتری آمده بود. سیگر از باب می‌خواهد برای قهرمانش بخواند و از آنجا او وارد موسیقی فولک به صورت حرفه‌ای می‌شود تا زمانی که با اجرای جنجالی‌اش در جشنواره موسیقی فولک نیوپورت، به دلیل استفاده از سازهای الکتریکی باعث هوک‌ردن و اعتراض تماشاگران می‌شود. او در این مدت با دو زن در زندگی‌اش آشنا می‌شود که نقش مهمی در دوران اولیه حرفه‌ای او ایفا می‌کنند. یکی سیلوی روسو با بازی ال فانینگ که شخصیتی بر اساس سوز روثولو است؛ همان زنی که در عکس معروف آلبوم باب دیلن آزاد در کنار او دیده می‌شود. به‌رغم آنکه سیلوی، باب را دوست داشت، اما در نهایت متوجه شد چیزی درباره او نمی‌داند؛ حتی در حالی که دیلن به یکی از مشهورترین افراد دنیا تبدیل شده است. در مقابل، جسون یایز با بازی مونیکا باربارو- رابطه همکاری و عاطفی پرفرازونشیبی با دیلن داشت. یایز بعدها به ستاره‌های تبدیل می‌شود که سبک فولک را به شکلی زیباتر اجرا می‌کند، در حالی که دیلین به دنبال چیزی عمیق‌تر و خشن‌تر در موسیقی خود است.

فیلم عمیق نیست و در سطح باقی مانده است و مخاطب با پرتراهی مکررنگ از دیلن روبه‌رو می‌شود؛ گویا فیلم‌ساز به شناخت خارج از قصه مخاطبان امید داشته است. البته وجه موسیقاییی در این اثر خوب است، اما فضاسازی و انسجام روایت لنگ می‌زند. دیلن کسی بود که از سنت به مدرنیته کوچ کرد؛ واقعیتی که برای طرفدارانش چندان خوشایند نبود. از آنجا که جیمز منگولد بیشتر به روایت یک دوره پرداخته است تا یک فرد، در این اثر مخاطب چندان اطلاعاتی در مورد باب دیلن نمی‌داند و تصویری جامع از این ترانه‌سرای بزرگ نداده است. درساره دیلن آنچه در فیلم به واقعیت وفادارانه عمل شده، این است که زندگی این نماد موسیقی فولک سرشار از تضادهای و خودخواهی‌هاست. دیلن از آنجا که سروده‌های جنبش حقوق مدنی و ضدجنکس بسیار معروف است، اشعارش طیفی از تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فلسفی را در بر می‌گیرد و سازنده هم از طریق گزارشگران اخبار تلویزیونی، رویدادهای تاریخی همچون بحران موشکی کوبا و تور جان اف کندی را به گوش دیلن می‌رساند و این پلان‌ها، بسیار جذابانه و هوشمندانه در لابه‌لای اثر تدوین شده است. به این طریق، شیوه مناسیبی برای نمایش گذر زمان برای تماشاگر است و ماهیت ترانه‌های «مدیدن در باد» در سال ۱۹۶۳ و «زمانه در تغییر است» در سال ۱۹۶۴ را به تصویر می‌کشاند. یکی از سکانس‌های ماندگار یک ناشناخته کامل، زمانی است که اخبار بحران موشکی کوبا از تلویزیون در حال پخش است و هم‌زمان دیلن ترانه «اربابان جنگ» را در حالی که ترس از نابودی جهان، نیویورک را تقریباً خالی از جمعیت کرده، در یک کافه اجرا می‌کند. از این رو است که موسیقی‌های باب دیلن به‌شدت نمادین است. تیموتی شالامی برای تقلید صدا و خوانندگی زحمات زیادی کشیده و تقریباً نزدیک به پنج سال از زندگی خود را صرف درک، یادگیری و تسلط بر کار باب دیلن کرده است. از این رو اجرای او در نقش دیلن ستودنی است. شالامی، یک شخصیت لجیاز، متکیو و خلاق را با کمترین دیالوگ فقط با استفاده از زبان بدن و رفتار به بهترین شکل بازی کرده است. به‌صراحت می‌توان گفت اسکار باید نصیب تیموتی شالامی می‌شد.

گزارش خبری

روایتی موسیقایی از زندگی بنیان‌گذار اپل

فرید بریش: اپرای ملی واشنگتن «The (R)evolution of Steve Jobs» را روی صحنه می‌برد؛ اثری که از سوی میسون بیتس، نخستین آهنگ‌ساز مقیم مرکز کندی، و لیرتست مارک کمپبل خلق شده است. این اپسرای برنده جایزه گرمی که نگاهی موسیقایی به زندگی استیو جابز و جست‌وجوی او برای آرامش درونی دارد، در سال‌های اخیر به یکی از پرجاترین اپراهای آمریکایی قرن ۲۱ تبدیل شده است و مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفته است.

این اجرای ویژه، چهره‌های برجسته‌ای را به صحنه می‌آورد. بارتون سرشناس آمریکایی-جان موفر، نقش استیو جابز را ایفا می‌کند؛ نقشی که پیش‌تر در چندین سالن معتبر، اپرای آمریکا آن را با موفقیت اجرا کرده است. همچنین وی وو، هنرمند پیشین برنامۀ «Friztz Young Artist» در WNO، نقش کوبون جینو اوتوگاو را خلق کرده بود، بار دیگر در همین نقش ظاهر خواهد شد. رهبری این اجراها برعهده لیدی یانکوفسکایا، مدیر موسیقی پیشگام اپرای شیکاگو، خواهد بود. این تولید که یکی از برجسته‌ترین رویدادهای هنری مرکز کندی به شمار می‌رود، فرصتی استثنایی برای علاقه‌مندان اپرا و موسیقی معاصر خواهد بود تا شاهد تلفیق دراماتیک موسیقی، فناوری و زندگی یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های قرن ۲۱ باشند.

مدیوم‌های نمایشی در سال رفته و سال جدید

بهار تازه قاب‌های تازه

مازیا‌معاونی

مازیا‌معاونی



اقتضانات مختلف از جمله ظهور و هم‌گیرشدن پلتفرم‌ها در سراسر جهان از جمله ایران و نقش آنها در به‌اوج‌رسیدن دوران طلایی سریال‌سازی، اصولاً مرجعیت تولید سریال‌های نمایشی از رسانه قدیمی تلویزیون سلب شده و به پلتفرم‌ها واگذار شده است. یک تغییر اجتناب‌ناپذیر در عرصه بین‌المللی که مقاومت مدیوم تلویزیون در برابر آن حاصلی به‌جز شکست و ناکامی نداشته است. البته در کشور ما انتقادهای به شیوه نمایش زندگی ایران امروز در قاب تلویزیون که از درجه ایدئولوژیک این رسانه می‌گذرد نیز مزید بر علت شده و در کنار مؤلفه اولی که ذکرش رفت، اقبال به آثار نمایشی این رسانه را بسیار کمتر از قبل کرده است. البته نکته مثبت در میان این وضعیت ناخوشایند، بازگشت سریال دنباله‌دار «بایبخت» به کندانکتور نوروزی تلویزیون است که بی‌شک درصد بیشتری از بینندگان را پس از مدت‌ها به عنوان مخاطب ثابت پای گیرنده‌ها خواهد نشاناد. به‌ویژه اینکه ایزود پایانی فصل ششم این سریال که با تأخیر از بقیه قسمت‌های آن ساخته شد، ناموفق و ناکام از آب درآمد و حالا علاقه‌مندان ماجراهای «تقی معمولی و دوستانش» در انتظار جبران آن ناکامی در فصل جدید هستند که اگر اتفاق بیفتد، اتفاقی فرخنده برای عامه مخاطبان برخوردار از نگاه غیرتخصصی و البته رسانه‌ای است که در برابر شرایط جدید مدیوم نمایش تا حدود بسیاری قافیه را به رقبای پلتفرمی و محصولات چندفصلی بین‌المللی باخته است.

و سرانجام شبکه نمایش خانگی با همان پلتفرم‌های عرضه‌کننده آثار نمایشی که از زمان پاکبری در شهریور سال ۱۳۸۹ با سریال «قهوه تلخ» تا همین امروز گاهی آهسته‌آهسته و زمانی با شتابی بیشتر جلو آمده و میدان را برای تلویزیون و حتی سینما تنگ کرده است. در سالی که گذشت دو سریال «افعی» ساخته سامان مقدم و «در انتهای شب» به کارگردانی آیدا پناهنده، دو سریال موفق و خوش‌ساخت این شبکه بودند که پخش آنها تا اوایل تابستان ادامه داشت و انتظارات از سطح کیفی آثار پلتفرمی را یکی دو پله بالاتر برد. آثار بعدی این شبکه البته موفقیت این دو اثر را تکرار نکرد. ولی به هر حال این شبکه نمایش خانگی که نبض موفقیت را در اختیار داشت تا در اواخر سال نوبت به سه سریال «از ازیل»، «آبان» و «تاسیان» رسید که بنابه تنوع ژانری «از ازیل»، ترکیب قوی بازیگران «آبان» و نوستالژی و عبور از خطوط قرمز رسانه‌های رسمی «تاسیان» و البته مؤلفه‌های دیگر دیده شده‌اند و همچنان مخاطب خود را دارند. البته زمزمه‌های عرضه سریال جدید هومن سپیدی در شبکه نمایش خانگی از اواخر فروردین هم شنیده می‌شود و باید دید این کارگردان خلاق باز هم به دنبال ترسیم فضاهای خشن مافیایی رفته یا اتمسفر دیگری را برای سریال تازه‌اش برگزیده است؟ اتفاقاتی که برای ارزیابی‌شان باید کمی منتظر ماند.

یادداشتی بر نمایشگاه «یاد» در ۰۹۸۲۱

ز شمع مرده…!

حافظ روحانی

منتسب به هنر معاصر کار می‌کنند. فضای کلی نمایش را شکل داده است. توجه این هنرمندان به رسانه‌های جدید یا نگاه معاصرشان به ابزار کار، نمایشگاه کنونی را به تجربه‌ای موفق از کنار هم نهادن آثار هنری معاصر تبدیل کرده است. از سوی دیگر، هنرمندانی که عمدتاً به ابزارهای و شیوه‌های قدیمی‌تر بیان هنری وفادارند، همچون فرح خلیلی، معصومه مظفری، محمود محرومی، محمد خلیلی، مهراں مهاجر، نیکزاد (نیکی) نجومی، محمد خلیلی و… هم عمدتاً رویکردی نو به ابزار کار خود دارند که می‌توان نمونه‌هایی از این رویکرد را در آثارشان در این نمایشگاه مشاهده کرد. اما به نظر می‌رسد آنچه همه هنرمندان حاضر در نمایشگاه را متأثر کرده، شمع بوده؛ عنصری که کم‌وبیش در تمامی آثار به چشم می‌خورد، هم به عنوان عنصر بصری مرکزی و هم به‌ عنوان عنصری که بار معناییی را در عمده آثار به دوش می‌کشد. نگاه کنید به آثار نیکزاد نجومی، محمد خلیلی، غزاله هدایت، معصومه مظفری یا بکتاش سارنگ که شمع را عمدتاً در مرکز اثر ثبت کرده‌اند. کم‌وبیش همین نگاه را با تفاوت‌های نسبتاً زیاد در اثر البرز کاظمی هم می‌بینیم. در میان هنرمندان می‌توان نگاه‌های کم‌وبیش مشابه را جست‌وجو کرد؛ مثلاً محمد خلیلی آن را بر روی سازه‌های آشنای خودش قرار داده، هرچند انکار پیوند میان این عنصر بصری جدید با فضای بصری آشنای خودش برقرار نشده است. نیکزاد نجومی دستی را همچون محافظ پس شمع نقاشی کرده تا اهمیت محافظت از شمع را یادآوری کند، هرچند اثرش در میان بهترین نقاشی‌هایش قرار نمی‌گیرد.



اخبار برگزیده

معرفی پرمخاطب‌ترین

نمایش‌های سالن‌های دولتی تئاتر

آمار فروش نمایش‌های سال ۱۴۰۳ در مجموعه تئاترشهر، تالار هنر و تماشاخانه سنگج معرفی و با مقایسه آمار، پرفروش‌ترین در هر سالن به تفکیک مشخص شد.

در مجموعه تئاترشهر و در سالن اصلی، نمایش «پیرونی برای دیکتاتور» به کارگردانی علی احمدی با مجموع فروش ۱۰ میلیون و ۸۲۰ میلیون و ۸۱۰ هزار تومان پرفروش‌ترین نمایش سال در این سالن است.

در سالن چهارسو نمایش «اینک انسان» به کارگردانی حمیدرضا نعیمی با مجموع فروش ۸۷۴ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان عنوان پرفروش‌ترین نمایش این سالن را کسب کرده است.

لازم به یادآوری است چون اجرای نمایش‌های «دره» به کارگردانی سامان خلیلیان و «پیوتر اوِه» به کارگردانی فارس باقری در این سالن ادامه دارد، جزء محاسبه نیامده‌اند.

در تالار قشقایی نمایش «بونکر دوم؛ شکارچی و قطار» به کارگردانی جلال تهرانی با فروش ۷۸۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومانی، پرفروش‌ترین نمایش سال در این سالن شد. عنوان پرفروش‌ترین نمایش سالن سایه به نمایش «بی‌پایانی» به کارگردانی صحرا فتحی اختصاص یافته که موفق به فروش ۴۹۸ میلیون و ۶۰ هزار تومانی شده است. اجرای دو نمایش «تئاتر بی‌حیوان» به کارگردانی علیاکبر بدیعی و «مکاشفه از نزدیک» به کارگردانی نسرین بخت‌پور در سالن سایه ادامه دارد.

در کارگاه نمایش، نمایش «مرگ در ساعت سگ» به کارگردانی حسین فلاح با فروش ۷۲ میلیون و ۵۹۰ هزار تومان به عنوان پرفروش‌ترین نمایش سال کارگاه نمایش شناخته شده است.

در تماشاخانه سنکلیج، نمایش «بمون، بخون، بخندون» به کارگردانی سمیه مهری با رقم فروش ۳۱۰ میلیون و ۹۶ هزار تومان، پرفروش‌ترین نمایش سال این تماشاخانه شده است.

در تالار هنر نیز نمایش «قصه سبیلی که پرواز کرد» به کارگردانی مجتبی مهدی و فروش ۴۱۴ میلیون و ۷۱۷ هزارو ۶۰۰ تومانی عنوان پرفروش‌ترین نمایش سال را در این تالار تخصصی کسب کرده است.

تعداد مخاطبان عمارت نوفل‌لوشاتو در سال ۱۴۰۳

اعلام شد

۴۰ نمایش در سال ۱۴۰۳ در عمارت نوفل‌لوشاتو اجرا شد که هر یک از آنها پنج تا ۱۰۰ شب روی صحنه رفتند. همچنین ۱۵ نمایش‌نامه‌خوانی و ۱۰ تک‌اجرا نیز در این عمارت انجام شد و سهم عمارت نوفل‌لوشاتو از مجموع مخاطبان تئاتر کشور در سالی که گذشت بیش از ۵۰ هزار نفر بود.

پرمخاطب‌ترین نمایش‌های این تماشاخانه «فین جین»، «ماهرخ»، «کان لم یکن»، «مکبث»، «سلاخ»، «شالهنگ»، «سی‌ویک رویا»، «جوف» و «دویل» بوده است. همچنین این عمارت شش اثر را در بخش به‌علاوه فجر جشنواره تئاتر فجر امسال اجرا کرده است. «دویل»، «شالهنگ»، «حق با مردم بود»، «چلوکبابی حاج مولوی»، «سینما کارون»، «جوف»، «بوزفکا»، «سی‌ویک رویا»، «آخرین داستان بکت»، «سین سه»، «مجلس زنان رختشوی»، «هاله»، «لانه موش‌ها»، «مکبث»، «سید ممد»، «سلاخ»، «رکتیج» از جمله نمایش‌هایی بود که در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه رفت که سبب شد تعداد مخاطبان تئاتر در عمارت نوفل‌لوشاتو نسبت به چند سال گذشته افزایش داشته باشد. همین‌طور پلیت‌ها علاوه‌بر شیوه برخط، به شکل حضوری نیز به فروش رفته است.

«چلوکبابی حاج مولوی» و «فین جین» در عمارت نوفل‌لوشاتو از ۶ و ۷ فروردین ۱۴۰۴ اجراهای خود را از سر می‌گیرند.